روزنامه پیام ما
| سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۲۳۷ | پنجشنبه ۱۰ مهر ماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |
www.payamema.ir

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال‌وبختیاری در گفت‌وگو با «پیام ما»:

برداشت گون‌ها آن‌سوی مرزهای حفاظت‌شده است

۲

پیام «سروش حبیبی» در دهمین بزرگداشت «عبدالرحیم جعفری» بنیانگذار انتشارات امیرکبیر:

«راکفلر» روشنایی نه تاریکی

۲

مهرگان
جشن زندگی‌خواهی

- «قصر یعقوب» نگهبان جشن باستانی
- نغمه‌ای کهن در آغاز پاییز
- جشنی برای هم‌زیستی با زمین
- کوهستان میزبان جشن مهرگان

طرح پیام ما جمال رحمتی

۳ و ۴

یادداشت

حراست از گون‌ها در منطقه حفاظت‌شده قیصری

| علی زاهدی |
| رئیس منطقه حفاظت‌شده قیصری |

منطقه حفاظت‌شده قیصری در استان چهارمحال‌وبختیاری، در سال ۱۳۸۶ در لیست مناطق تحت حفاظت سازمان حفاظت محیطزیست قرار گرفت. ما در این منطقه دو پاسگاه محیطبانی با نام‌های «پاسگاه محیطبانی دوآب صمصامی» و «پاسگاه محیطبانی پرجفت بیرگان» و ۱۰ نیروی محیطبان داریم که به‌صورت شبانه‌روزی در حال حراست از منطقه هستند. متأسفانه برداشت گون در مناطق مختلفی از استان انجام می‌گیرد، اما در سال‌های اخیر ما با برداشت جدی در منطقه حفاظت‌شده روبه‌رو نبوده‌ایم و تنها یک مورد در مهرماه سال گذشته بود که عده‌ای به منطقه چشمه‌خونی در مرز منطقه حفاظت‌شده با مناطق آزاد آمده بودند که بازداشت شدند و پرونده آنها به دادستانی کوهرنگ ارسال شد. ما در منطقه حفاظت‌شده اگر شلیک یا برداشت غیرمجازی داشته باشیم، حتماً با آن برخورد می‌کنیم. اما مناطقی که برداشت از آن زیاد است، در فاصله دو تا سه هزار متری از منطقه حفاظت‌شده و در منطقه «لاخرس» هستند و متأسفانه بسیاری از درگیری‌ها به‌دلیل سهم‌خواهی‌ها در این عرصه‌هاست. این درحالی‌است که منطقه حفاظت‌شده قیصری به‌دلیل تلاش‌های بسیار برای حفاظت، یکی از نقاط مهم حضور خرس قهوه‌ای در کشور است. گونه‌های دیگر مانند کبک دری و کل و بز هم از جمله دیگر گونه‌های موجود در این منطقه است و ما در این سال‌ها تلاش بسیاری برای ساخت آبشخور و افزایش تجهیزات داشتیم. همچنین، اضافه شدن شش نیروی همیار از دیگر اقدامات مهم این منطقه حفاظت‌شده است. اما گون‌های موجود در منطقه مناسب برای برداشت نیستند و گزارش‌های موجود از این برداشت‌ها در منطقه حفاظت‌شده قیصری خلاف واقعیت است.

خبر

در نشست انجمن «راحل» مطرح شد

تحلیل مهاجرهراسی سیستماتیک

نشست بیستم «وضعیت‌شناسی مهاجرین افغانستانی در ایران» در خانه اندیشه‌ورزان تهران برگزار شد. «رضا عطایی»، دبیر این نشست که روز دوشنبه هفتم مهر برگزار شد، در آغاز با اشاره به روند «جاسوس‌انگاری مهاجران» پس از جنگ اخیر، این پدیده را نشانه‌ای از گسست روایی در تعامل جامعه مهاجر و جامعه ایرانی خواند و بر لزوم واکاوی علمی این مسئله تأکید کرد. «رضا زنگنه»، فعال فرهنگی و رسانه‌ای با اشاره به کمپین گسترده «اخراج افغانستانی‌ها» در فضای مجازی گفت: «این پروژه آنقدر حرفه‌ای اجرا شده که گویی یک کارزار انتخاباتی چندساله است. آنها حتی هشتگ «اخراج افغانی مطالبه ملی» را به‌مدت سه سال بدون وقفه دنبال کرده‌اند.» زنگنه در تحلیلی ساختاری، مهاجرهراسی را در سه لایه بررسی کرد: در لایه اول به «پروژه رسانه‌ای سازمان‌یافته» اشاره کرد که با استفاده از مکانیسم «دیگری‌سازی سیستماتیک» و «انسانیت‌زدایی»، زمینه خشونت علیه مهاجرین را فراهم می‌کند. او تأکید کرد: «این پروژه از سال ۸۸ استراتژی خود را از تقابل حاکمیت-ملت به تفرقه‌افکنی قومی-اجتماعی تغییر داده است.» به‌گفته این تحلیلگر رسانه، «دستکاری آمار» یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای این پروژه است: «ارائه آمارهای غیرواقعی مانند ادعای حضور ۱۷ میلیون مهاجر افغانستانی، درحالی‌که کل جمعیت افغانستان حدود ۴۰ میلیون نفر است، نشان از مهندسی برنامه‌ریزی‌شده ذهنیت عمومی دارد.» زنگنه با تحلیل نقش زبان فارسی در این پروژه گفت: «جداانگاری فارسی و دَری توسط رسانه‌های معاند غربی، تلاشی برای شکستن مهمترین پل ارتباطی فرهنگی بین دو کشور است. این کار در راستای تضعیف حوزه تمدنی فارسی‌زبانان انجام می‌شود.» او با بیان اینکه «ما در آستانه یک فاجعه اخلاقی قرار داریم»، تأکید کرد: «کسی که به افغانستانی رحم نکند، به هموطن خودش نیز رحم نخواهد کرد. این پروژه یک پدیده لغزنده است که به تضعیف سرمایه‌های اخلاقی جامعه منجر می‌شود.» این فعال رسانه‌ای با انتقاد از عملکرد برخی رسانه‌های داخلی گفت: «متأسفانه برخی رسانه‌های خودی نیز در دام این پروژه افتاده‌اند. آنها که روزی طالبان را تطهیر می‌کردند، امروز همان‌ها مهاجرین بی‌پناه را مقصر مشکلات می‌دانند.» زنگنه در پایان با تأکید بر منافع ملی ایران، عنوان کرد: «حتی اگر کسی هیچ اعتقاد دینی هم نداشته باشد، از نظر عقلایی باید بپذیرد که این پروژه به ضرر منافع ملی ایران است. همان کاری که کوروش می‌کرد؛ جذب کردن، نه دفع کردن.»

خبرگزاری دانشجو

مدیرکل حفاظت محیطزیست چهارمحال‌وبختیاری در گفت‌وگو با «پیام ما»:

برداشت گون‌ها آن سوی مرزهای حفاظت شده است

|پیام ما| برداشت گون از مناطقی در استان چهارمحال‌وبختیاری به مناقشه‌ای جدی در این منطقه بدل شده است. این برداشت‌ها که با قراردادهای کلان انجام می‌گیرد، آسیب جبران‌ناپذیری به این مناطق وارد کرده است. «پیام ما» در گزارشی به این موضوع پرداخت و حالا «محسن کریمی»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال‌وبختیاری، به «پیام ما» می‌گوید این برداشت‌ها از منطقه حفاظت‌شده قیصری انجام نمی‌گیرد و در مناطق زیرمجموعه حفاظتی سازمان منابع‌طبیعی است. به‌گفته او، فرایند بهره‌برداری از گون و محصولات اصلی (کتیرا و...) و جانبی (گزانگبین و...) نیازمند داشتن مجوز طرح مرتع‌داری است که متقاضیان باید از سازمان منابع‌طبیعی دریافت کنند و درصورتی‌که بهره‌برداران بدون اخذ مجوز اقدام به برداشت محصولات اصلی و فرعی از گونه‌های گیاهی کنند، به‌عنوان متخلف به مراجع قضائی معرفی می‌شوند.

درباره مناطقی که در استان چهارمحال‌وبختیاری پوشش گون دارند، توضیح دهید.

در استان چهارمحال‌وبختیاری، قریب به شش هزار هکتار اراضی با پوشش گون با قابلیت برداشت گزانگبین وجود دارد که در محدوده شهرستان کوهرنگ به‌صورت پراکنده واقع شده است. این مناطق شامل «توف‌سپید»، «بنواستکی»، «احمدلیوه»، «کرباسی»، «چال‌خشک» و «موردل» است؛ از این شش هزار هکتار، حدود صد هکتار از آن در احمدلیوه در منطقه حفاظت‌شده قیصری قرار دارد که تحت مدیریت اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال‌وبختیاری است و مابقی این عرصه شش هزار هکتاری (پنج هزار و ۹۰۰ کیلومترمربع) در مدیریت اداره‌کل منابع‌طبیعی و آبخیزداری استان است.

وضعیت برداشت از گون‌ها در مناطق تحت حفاظت سازمان‌های محیط‌زیست و منابع‌طبیعی به چه صورت است؟

فرایند بهره‌برداری از گون و محصولات اصلی (کتیرا و ...) و جانبی (گزانگبین و ...) نیازمند داشتن مجوز طرح مرتع‌داری است. بنابراین، متقاضیان گزانگبین باید در قالب طرح مرتع‌داری نسبت به اخذ مجوز برای برداشت گزانگبین از گون از منابع‌طبیعی اقدام کنند و پس از اخذ مجوز ممانعتی برای برداشت (بدون آسیب به گون) در عرصه منابع‌طبیعی وجود ندارد. درصورتی‌که بهره‌برداران بدون اخذ مجوز از منابع‌طبیعی و محیط‌زیست اقدام به برداشت محصولات اصلی و فرعی از گونه‌های گیاهی کنند، به‌عنوان متخلف به مراجع قضائی معرفی می‌شوند.

ما گزارش‌های مختلفی از برداشت غیرقانونی گون و آسیب رساندن به اکوسیستم مناطقی در استان داشتیم، آیا این مناطق در حوضه تحت کنترل سازمان حفاظت محیط‌زیست است؟

محدوده اعلام‌شده در رسانه «پیام ما»، خارج از مناطق تحت مدیریت حفاظت محیط‌زیست و خارج از منطقه حفاظت‌شده قیصری است؛ هرچند یگان حفاظت محیط‌زیست فارغ از مرزبندی مناطق، همکاری بسیار گسترده‌ای با یگان منابع‌طبیعی در حفاظت از عرصه‌های طبیعی دارد و تخلفات در خارج از مناطق را نیز شناسایی و به مراجع قضائی ارجاع می‌دهد. یگان حفاظت محیط‌زیست طبق رسالت سازمانی با حضور مستمر در تمامی عرصه‌های طبیعی با هرگونه تخلف شکار و صید و تخریب گونه‌های گیاهی و بهره‌برداری غیرمجاز برخورد قاطع دارد.

گزارش

پیام «سروش حبیبی» در دهمین بزرگداشت «عبدالرحیم جعفری»، بنیانگذار انتشارات امیرکبیر:

«راکفلر» روشنایی، نه تاریکی

|پیام ما| ۱۰ سال از مرگ «عبدالرحیم جعفری»، بنیانگذار انتشارات «امیرکبیر» و از پیشتازان فرهنگ ایران، گذشته است، اما هنوز یادش در میان بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر این سرزمین زنده است. امسال نیز بزرگداشت او به کوشش «کاظم موسوی بجنوردی»، رئیس دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و «محمدرضا جعفری»، فرزند عبدالرحیم و مدیر نشر نو، در مرکز همایش‌های بین‌المللی برگزار شد. «سید محمد کاظمی بجنوردی»، بنیانگذار و رئیس مرکز دائرةالمعارف اسلامی در این نشست، نقش عبدالرحیم جعفری در نشر ایران را بی‌بدیل دانست و از حسودان و کج‌نظرانی گلایه کرد که علیه جعفری توطئه و اموال او را مصادره کردند: «مصادره‌ای که حتی به‌زعم جامعه مدرسین قم، نامشروع بوده، اما مصالحه‌نامه اجباری‌ای از عبدالرحیم جعفری گرفتند که او در آن ۸۰ درصد اموالش را بخشیده بود و این امر باعث شد موضوع مسکوت بماند.» عبدالرحیم بعد از مصادره اموالش پس از انقلاب سال‌ها برای بازپس‌گیری آنها تلاش بی‌وقفه کرد، اما چشم از جهان فروبست و نتوانست حقش را زنده کند. زندگی او یکی از تراژیک‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر ایران است.

سه‌شنبه، ۸ مهرماه، تالار مرکز همایش‌های بین‌المللی دائرةالمعارف مملو از جمعیت است. سرتاسر سالن می‌توان نویسندگان، مترجمان و بسیاری از دوستداران کتاب و صنعت نشر کشور را دید. همه برای آنکه دهمین سالگرد درگذشت «عبدالرحیم جعفری»، امیرکبیرِ نشر ایران، را پاس دارند، اینجا جمع شده‌اند. در این گردهمایی، «محمدرضا جعفری»، «کاظمی بجنوردی»، «لیلی گلستان»، «عبدالحسین آذرنگ»، «میلاد کیایی» و «کاوه میرعباسی» سخنرانی کردند.

محمدرضا جعفری صحبت خود را با بغض شروع کرد. او دوندگی‌های بی‌امان و خستگی‌ناپذیر پدرش برای بازپس‌گیری انتشارات امیرکبیر را به یاد آورد، دوندگی‌هایی که هیچ نتیجه‌ای در بر نداشت. او در صحبت‌هایش گفت: «قبل از انقلاب نقدینگی نشر امیرکبیر از راه فروش زمین‌های شخصی تأمین می‌شد و هرگز و در هیچ مرحله‌ای ذره‌ای از دولت کمک نگرفت و به همین دلیل، مؤسسه برداشت مالی نداشت. کار این مؤسسه تازه در سال ۵۶ و ۵۷ رونق گرفته بود که آن اتفاقات رخ داد.» بعدها مشخص شد این اتفاقات ضربه بزرگی به نشر ایران زد؛ چراکه با توجه به گفته‌های جعفری این انتشارات آغازگر نخستین‌های صنعت نشر بود: «باید خوراک ماشین بزرگ چاپ را تأمین می‌کردیم. افرادی را استخدام کردیم و آنها ویراستاری را در مؤسسه می‌آموختند. این ماشین می‌توانست یک کتاب را در یک دستگاه چاپ و صحافی کند. این ماشین چاپ سه میلیون دلار قیمت داشت و ما در سال ۵۷ که همه فکر فرار از کشور بودند، ما قرارداد سفارش این ماشین را بستیم و سفارش دادیم، اما وضع مؤسسه به‌هم خورد و نشد، اما پیش‌پرداخت را پس ندادند.»

نقش بی‌بدیل

سیدمحمد کاظمی بجنوردی، بنیانگذار و رئیس مرکز دائرةالمعارف اسلامی، نقش عبدالرحیم جعفری در نشر ایران را بی‌بدیل دانست. او که در سال ۱۳۸۳ برای جعفری بزرگداشت برگزار کرده بود، از حسودان و کج‌نظرانی گلایه کرد که علیه جعفری توطئه و اموال او را مصادره کردند. او گفت: «مصادره‌ای که حتی به‌زعم جامعه مدرسین قم نامشروع بوده است، اما مصالحه‌نامه اجباری‌ای از عبدالرحیم جعفری گرفتند که او در آن ۸۰ درصد اموالش را بخشیده بود و این امر باعث شد که موضوع مسکوت بماند.»

لیلی گلستان، مترجمی که کار حرفه‌ایش را با انتشارات امیرکبیر و در سن ۲۴سالگی شروع کرده است، از حمایت بی‌دریغ و پیوسته جعفری از خودش و دیگر نویسندگان و مترجمان می‌گوید که چگونه مانند پدری مهربان آنها را در این راه یاری داده است. او از بی‌مهری‌های پس از انقلاب می‌گوید. از زمانی که به دفتر جعفری می‌رفته است و او با بغضی در گلو نامه‌هایی را که به نهادهای مختلف برای بازپس‌گیری امیرکبیر نوشته بود، برای گلستان می‌خوانده است. او درنهایت جعفری را مردی بی‌بدیل می‌خواند که فرهنگ و هنر این کشور مدیون اوست و بعید است دیگر کسی مانند او در ایران دیده شود.

عبدالحسین آذرنگ، مدیر بخش تاریخ معاصر و عضو شورای‌عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ویژگی ممیزه جعفری را جسارت، خطرپذیری و فراتر از زمانه بودن او می‌داند، کسی که با تیزهوشی خود می‌توانست نیاز مخاطبان را تشخیص دهد و کتاب‌هایی را منتشر کند که نیاز همه مخاطبان از همه طبقات اجتماعی را پوشش دهد.

او در صحبت‌هایش آرمان‌گرایی و بلندپروازی جعفری را ناشی از درد و رنجی می‌داند که او در کودکی و نوجوانی کشیده است. او در انتهای صحبت‌هایش از کمک‌های پنهانی جعفری به نیازمندان می‌گوید؛ نیازمندانی که هرگز نفهمیدند چه کسی از آنها دستگیری کرده است. آذرنگ امیدوار است این خانواده سنت ناشری را حفظ کند و آن را نسل‌درنسل ادامه دهد.

حسرت دیدار

کاوه میرعباسی، مترجمی که اولین ترجمه‌اش را در سن ۱۴سالگی نشر امیرکبیر منتشر کرده است، از حسرت خود درباره آنکه هرگز موفق به دیدار عبدالرحیم جعفری نشده است گفت. او همچنین بیان کرد: هرگز خاطرات کودکی و نوجوانی خود و لذتی را که از خواندن کتاب‌های نشر امیرکبیر برده است، فراموش نمی‌کند.

در این بزرگداشت همچنین پیام‌هایی از «محمد استعلامی»، ادیب، مولوی‌پژوه و حافظ‌شناس، و همچنین «سروش حبیبی»، مترجم، خوانده شد.

در پیام محمد استعلامی از مشغولیت‌های خود به ساخت فیلم کوتاه و همچنین مجموعه منتخب از شاهکارهای ادبیات فارسی گفت و در انتهای پیامش از عبدالرحیم جعفری به‌عنوان عاشق ایران و فرهنگ آن نام برد.

پیام سروش حبیبی، بیشتر از عبدالرحیم جعفری گفته بود. او جعفری را راکفلر ایران خواند با این تفاوت که راکفلر همت خود را با ساختن پالایشگاه‌ها، آسمان را به سیاهی کشاند، اما جعفری با شکافتن صخره‌ها، راه فرهنگ و کتاب را هموار کرد و به درخشان کردن آسمان فرهنگ همت کرد. جعفری آتشی در دل داشت که از هیچ‌چیز به همه‌چیزش رساند.

خاطره‌های گفته‌شده اشک و لبخند به چهره حاضران آورده بود و درنهایت همه افراد بر روی یک نکته متفق‌القول بودند؛ عبدالرحیم جعفری ستاره‌ای بی‌بدیل در آسمان نشر کشور بود که یاد و خاطره او هرگز فراموش نمی‌شود.

خبر

پزشکیان:

متخصصان علمی را محروم نکنیم

رئیس‌جمهور با بیان اینکه استراتژی دشمن این است که نیروهای تأثیرگذار و توانمند مورد بی‌مهری قرار گیرند و ناراضی شوند، گفت: «نباید نیروهای علمی، متخصصین و صاحب‌نظران و کارشناسان را به‌دلایل واهی از جمله اینکه فلان کارشناس در مقطعی اظهارنظری کرده است، از حضور در مراکز علمی و تخصصی محروم کنیم.»

صبح چهارشنبه، ۹ مهر، در یکصدوپانزدهمین جلسه هیئت دولت، پس از گزارش وزیر نیرو، مسعود پزشکیان با تأکید بر اینکه فعالیت صنایع و کارخانجات تولیدی به‌هیچ‌وجه نباید به‌خاطر کمبود برق و گاز متوقف شود، بر ضرورت کاهش و بهینه کردن هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی نیز تأکید کرد و افزود: «صرفه‌جویی، مصرف صحیح و افزایش بهره‌وری را باید از خودمان شروع کنیم. همچنین، تأمین و تسهیل معیشت مردم باید مهمترین دستورالعمل ما باشد و تحت هیچ شرایطی این موضوع نباید مورد بی‌توجهی یا حتی کم‌توجهی قرار گیرد.»

رئیس‌جمهور همچنین با تأکید بر اهمیت تسهیل و روان‌سازی امور در دستگاه‌هایی مثل گمرک با ایجاد هماهنگی و رفع تعدد سلایق دستگاه‌ها گفت: «باید با ایجاد فرماندهی واحد کار مردم و تجار تا حد امکان با سهولت و سرعت انجام شود. در این‌صورت است که می‌شود تاب‌آوری جامعه را ارتقا داد.»

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «نباید نیروهای علمی، متخصصین و صاحب‌نظران و کارشناسان را به‌دلایل واهی از جمله اینکه فلان کارشناس در مقطعی اظهارنظری کرده است، از حضور در مراکز علمی و تخصصی محروم کنیم. استراتژی دشمن این است که نیروهای تأثیرگذار و توانمند مورد بی‌مهری قرار گیرند و ناراضی شوند. ما نباید با دست خودمان به پیشبرد این هدف کمک کنیم.»

در ادامه جلسه هیئت دولت «عباس عراقچی»، وزیر امور خارجه، نیز ضمن ارائه گزارشی از دیدارها و مذاکرات با کشورهای اروپایی و طرف آمریکایی در قبل و حین سفر به نیویورک، گفت: «تمام رایزنی‌ها و انعطاف‌های لازم و ضروری به‌منظور اتمام‌حجت با این طرف‌ها صورت گرفت، اما همان‌گونه‌که از قبل هم پیش‌بینی می‌شد، این مسیر با کارشکنی‌های آمریکایی‌ها به سرانجام نرسید.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور و دبیر کارگروه نظام پرداخت مبتنی‌بر عملکرد نیز در این جلسه گزارشی از اقدامات و پیگیری‌های صورت‌گرفته برای عملیاتی کردن برنامه بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد ارائه کرد که رئیس‌جمهور ضمن قدردانی از تلاش‌های انجام‌شده گفت: «در حال حاضر، مبنای پرداخت حقوق عادلانه نیست و دولت از یک‌سو هزینه‌های کلانی برای پرداخت حقوق و مزایا دارد و از سوی دیگر، همین پرداخت‌ها هم به‌دلیل پایین بودن کارآمدی و بهره‌وری دستگاه‌ها به ایجاد نارضایتی برای مراجعان منجر می‌شود و بین حقوق‌بگیران نارضایتی ایجاد می‌کند. ضرورت دارد هرچه سریع‌تر نظام بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد و به‌تبع آن، پرداخت براساس عملکرد، نهایی و اجرا شود.» |ایسنا

وزیر بهداشت:

کاهش واکسن آنفلوآنزا به‌دلیل تأمین ارز است

وزیر بهداشت با بیان اینکه دلیل کاهش واکسن آنفلوآنزا مسئله تأمین ارز آن است، از پیش‌خرید ۳.۵ میلیون دوز واکسن آنفلوآنزا خبر داد و گفت: «تاکنون حدود ۱.۵ میلیون دوز توزیع شده است.»

«محمدرضا ظفرقندی»، در حاشیه جلسه هیئت دولت بیان کرد: «با توجه به تأمین ارزی، گاهی مقدار واکسن کاهش پیدا می‌کند و گاهی نیز تأمین می‌شود، اما درمجموع ۳.۵ میلیون دوز پیش‌خرید کردیم که به‌تدریج وارد بازار می‌شود.»

او همچنین در رابطه با توزیع شیرخشک گفت: «در زمینه توزیع شیرخشک معمولی مشکلی نداریم و هم داخلی و هم خارجی تهیه نشده است، اما شیرخشک‌های رژیمی چون وابسته به تبادل ارزی است، گاهی در آن مشکل پیدا می‌کنیم. ولی این نوع شیرخشک نیز تا دو هفته آینده تأمین می‌شود.»

به‌گفته وزیر بهداشت، کشور دچار مشکلات ارزی است و بیشترین تلاش دولت و بانک مرکزی، برای تأمین ارز دارویی بوده است.

ظفرقندی یادآور شد: «مقداری تأخیر در واریزی حجم یا مقدار ارز دارویی وجود دارد، اما برای رفع آن قول داده‌اند و قرار بود امروز جلسه‌ای در این زمینه داشته باشیم تا بتوانیم این عقب‌ماندگی را رفع کنیم. همچنین، درباره ذخیره دارویی نیز قرار است جلسه‌ای داشته باشیم که آن‌هم جبران شود.»

او همچنین در پاسخ به سؤالی مبنی‌بر اینکه نمایندگان مجلس عنوان می‌کنند مردم به‌خاطر گرانی، بی‌خیال درمان شده‌اند، گفت: «گرانی درمان در بخش دولتی، هیچ واقعیت خارجی ندارد و کاملاً تحت پوشش بیمه‌ها است. اما اگر کسی امکانات خاصی از بخش خصوصی می‌خواهد، طبیعی است که تابعی از حجم تورم و حجم ارز در بخش خصوصی است. مسیری که می‌رویم برای پی‌ریزی پزشک خانواده و نظام ارجاع است تا مسیر درستی را برای عبور مردم از بخش دولتی تأمین کنیم.» |ایسنا

مهرگان؛ آیینی که با وجود بی‌توجهی‌ها همچنان زنده است

نغمه‌ای کهن در آغاز پاییز

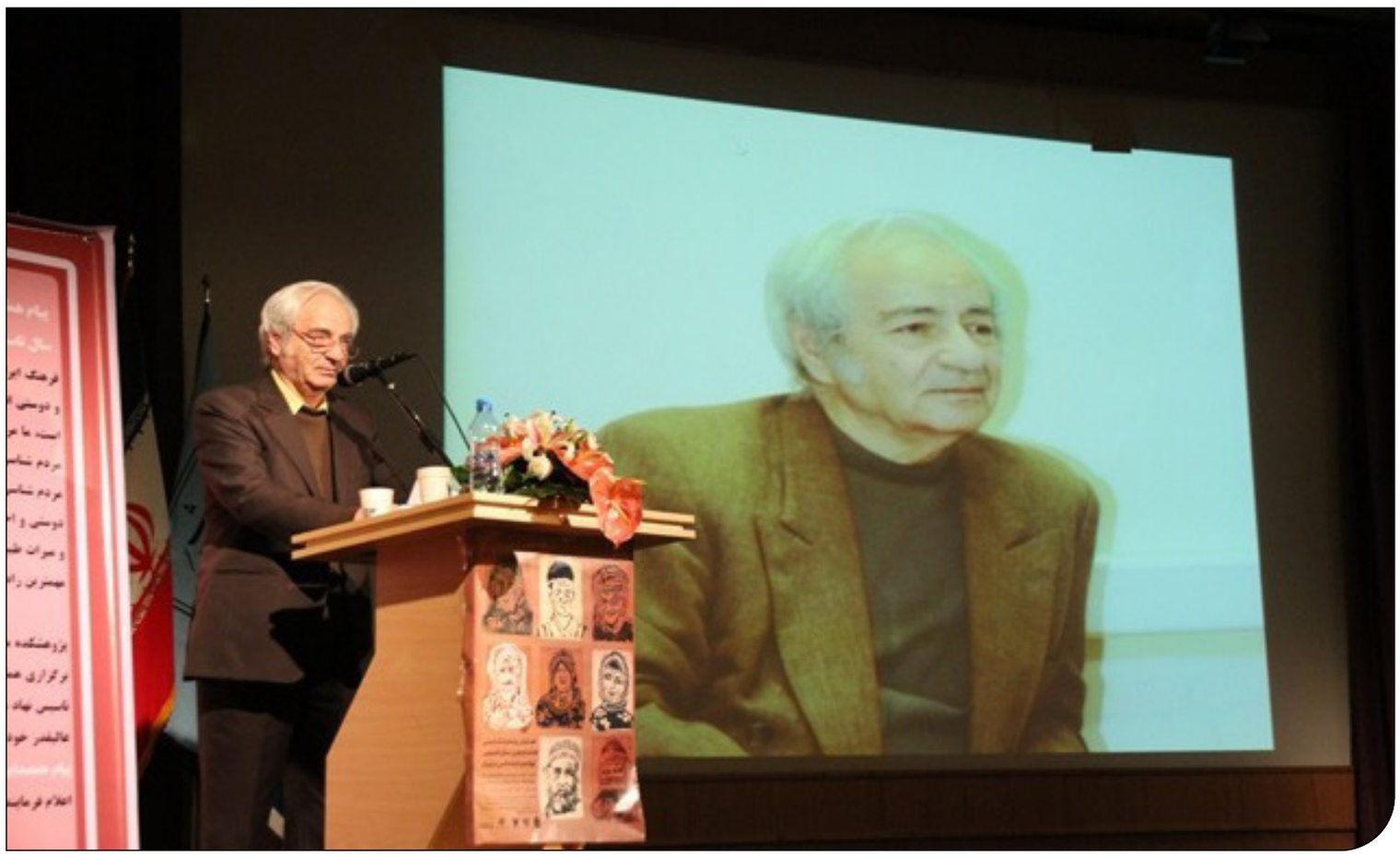

ایبنا

| مریم جلیلوند فرد |
| روزنامه‌نگار |

اوایل پاییز است و آغاز مهرگان. اما نه خوان ارغوانی گسترده می‌شود، نه تبریکی گفته می‌شود و نه جشنی برای آغاز پاییز برپا می‌شود. مهرگان هر سال می‌آید و در سکوت و سوز پاییز می‌گذرد. قرار بود امسال به پیشنهاد وزرای میراث‌فرهنگی، ارشاد، علوم و آموزش‌وپرورش، مسعود پزشکیان جشن مهرگان را به مردم ایران تبریک بگوید و برای برگزاری آن تدارکی اندیشیده شود تا شاید پس از ۴۷ سال، پزشکیان نخستین رئیس‌جمهوری باشد که دومین جشن ملی ایرانیان را بعد از نوروز به مردم ایران که از گذشته تا کنون این جشن را پاس می‌داشتند، تبریک بگوید. اما تا زمان تنظیم این گزارش خبر موثقی در مورد محقق شدن این برنامه وجود ندارد. بسیاری از اهالی فرهنگ معتقدند جشن مهرگان که به ثبت جهانی هم رسیده، مثل نوروز زنده نیست و کارکردهای خود را در ایران امروز از دست داده است. اما مردم‌شناسان این نظر را رد می‌کنند. آنها معتقدند جشن مهرگان و دیگر جشن‌های آیینی در اسارت مرزهای سیاسی کشورها نمی‌گنجند، ماهیت این جشن و آیین‌ها هنوز در میان مردم مورد توجه است؛ حتی اگر نام و شمایل آنها تغییر کند. از جمله «شبان میرشکرایی»، مردم‌شناس، که در گفت‌وگو با «پیام ما» تأکید دارد مهرگان با وجود تغییراتی که برخی مناطق داشته، با همان مفهوم، عملکرد و کارکرد همچنان برپا می‌شود.

جشن مهرگان دومین جشن ملی مهم ایرانیان بعد از نوروز بود. جشنی که هر سال و در ابتدای پاییز برگزار می‌شد. با اینکه این جشن در فهرست میراث ناملموس و در زمره جشن‌های مهم دنیا در فهرست جهانی یونسکو به ثبت رسیده است و همانند نوروز دارای سفره و مراسم آیینی است، اما به‌ندرت دیده می‌شود مردم و مسئولان برای ترویج و برگزاری این رسم کهن، کاری کنند و تدارکی ببینند. جشنی که به‌واسطه ثبت در فهرست میراث جهانی باید در حد نامش به آن توجه شود. اما دریغ از گستراندن یک سفره نمادین توسط مسئولان یا نمایندگان تشکل‌های فرهنگی و مردمی در جهت حفظ و معرفی آن!

آیین‌ها می‌مانند؛ حتی اگر دگرگون شوند

بسیاری بر این باورند که جشن‌های کهن ایران باستان مثل مهرگان به‌دلیل سال‌ها بی‌توجهی دیگر در زندگی مردم جایی ندارند و کارکرد خود را از دست داده‌اند. اما مردم‌شناسان این نظر را قبول ندارند و می‌گویند جشن‌ها و سوگ‌ها آیین‌هایی هستند که نمی‌میرند و در جامعه ایرانی هنوز زنده هستند؛ حتی اگر تغییر شکل و کارکرد داده باشند. «شبان میرشکرایی»، مردم‌شناس و کارشناس میراث‌فرهنگی که مسئولیت تهیه پرونده ثبت جهانی یلدا و تیرگان را به‌عهده داشت، به «پیام ما» می‌گوید: «چندان با این رویکرد که معتقد است جشن‌های ایرانی مثل مهرگان از بین رفته و فراموش شده، موافق نیستم. شاید در بخش‌هایی از جامعه ایرانی فراموش شده باشند، ولی به‌طور کامل فراموش نشده‌اند؛ چون اگر چنین بود هرگز قابلیت ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو پیدا نمی‌کرد.» میرشکرایی بر این باور است که «جشن مهرگان در زمره جشن‌هایی است که صورت و شمایل آن به‌ویژه در جامعه روستایی ایران تغییر پیدا کرده و شاید بعضاً دیگر به‌نام مهرگان هم شناخته نشود. اما این جشن با همان مفهوم، عملکرد و کارکرد همچنان برپا می‌شود.»

این مردم‌شناس در پاسخ به اینکه ارتباط میان حوزه‌های فرهنگی جشن مهرگان با توجه به اشتراکات و مشابهت‌های نزدیکی که با جشن نوروز دارد، به چه صورت ادامه دارد؟ می‌گوید: «این پرسش که حوزه‌های فرهنگی این جشن کجاست یا از نظر زمانی قدمت مهرگان به چه دروه‌ای می‌رسد، کاملاً با اصالت این جشن‌ها مرتبط است. به‌عبارتی، جشن نوروز، تیرگان و مهرگان از جمله جشن‌هایی هستند که کاملاً مبتنی‌بر طبیعت هستند و شما نمی‌توانید زمان مشخص برای ایجاد یا تولد آن تعیین کنید. به‌هیچ‌وجه نمی‌توانید بگویید نوروز پنج‌هزارساله است یا مهرگان ۱۰ هزار سال قدمت دارد. قدمت این جشن‌ها به تعامل انسان با طبیعت در حوزه جغرافیای فرهنگی یک سرزمین برمی‌گردد و این یکی از مهمترین نکاتی است که باید به آن پرداخت. باید توجه داشت که میراث‌فرهنگی ناملموس به‌ویژه در حوزه آیین‌ها در گذر زمان و تاریخ تغییر می‌کند، حتی نام آنها تغییر می‌کند، اما هرگز ماهیت، زمان و رویکرد آن از بین نمی‌رود.»

او در پاسخ به این سؤال که آیا جشنی در ایران وجود دارد که از ویژگی‌های مهرگان و نوروز برخوردار، اما فراموش شده باشد؟ می‌گوید: «هیچ‌کدام از جشن‌ها و سوگ‌های ما از یاد نرفته‌اند؛ چون این جشن‌ها و آیین‌ها مبتنی‌بر جغرافیای فرهنگی شکل گرفته است. شکل‌ها و نام‌های آن تغییر پیدا کرده، اما ماهیت آنها همچنان زنده است. البته باید در نظر داشت در زمانی یک آیین صرفاً به یک جامعه محدود می‌شود و مثلاً مربوط به یک شغل است. این آیین‌ها ممکن است در طول تاریخ کمرنگ شده باشند، اما حتی همان آیین‌ها هم از بین نرفته است. بااین‌حال، این موضوع بسیار مهم است که چگونه می‌توانیم به معرفی و ترویج هر چه بهتر آیین‌های کهن ایران از جمله جشن مهرگان بپردازیم.»

به‌اعتقاد میرشکرایی اولین و مهمترین گامی که در جهت معرفی و ترویج جشن مهرگان برداشته شد، ثبت آن در فهرست ملی و مهمتر از آن در فهرست جهانی است: «ثبت در فهرست مواریث ملی ناملموس اولین گام در جهت معرفی است. کارکرد معرفی هم آگاهی‌افزایی است. شما به میزانی که در این حوزه آگاهی‌افزایی داشته باشید، می‌توانید انتظار داشته باشید بخش‌های بیشتری از جامعه با این اثر و با این ارزش فرهنگی آشنا شوند. بخش مهم این اتفاق به فعالیت رسانه‌ها برمی‌گردد که چقدر از تأثیر مواریث ناملموس در زندگی مردم شناخت دارند.»

او درباره جنبه‌های آگاهی‌بخشی در جامعه می‌گوید: «یکی از مهمترین جنبه‌های آگاهی‌افزایی در حوزه میراث‌فرهنگی ناملموس این است که جشن‌ها و آیین‌ها در اسارت مرزهای سیاسی نیست. این رسوم کهن درواقع حوزه‌های فرهنگی هستند که با یکدیگر تلاقی و اشتراکات بسیاری دارند. میراث ملموس یک جسم دارد و آن جسم در آن سرزمین یک مالکیت حقوقی دارد و مالکیت حقوقی قائل به مرزهای سیاسی می‌شود. اما میراث‌فرهنگی ناملموس درحقیقت زاینده صورت‌های میراث‌فرهنگی ملموس است و آنچه باعث پدید آمدن میراث ملموس می‌شود، همین پایه‌های میراث ناملموس است.»

«محمد مکاری»، پژوهشگر پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، درباره اهمیت جشن مهرگان به این موضوع اشاره می‌کند که جشن باستانی مهرگان از جمله مهمترین جشن‌های باستانی ایرانی است که هر ساله توسط زرتشتیان ایران در مناطقی از کرمان و یزد و... اجرا می‌شود. خوشبختانه این جشن کاملاً ایرانی با همکاری کشور تاجیکستان در قالب یک پرونده مشترک در فهرست جهانی یونسکو (ماده ۱۶ کنوانسیون پاسداری از میراث‌فرهنگی ناملموس مصوب سال ۲۰۰۳ میلادی) به تصویب رسیده است. به‌گفته این مردم‌شناس، طبق قانون این کنوانسیون جشن مهرگان نیز در زمره جشن‌های بااهمیت جهانی نیز محسوب می‌شود که تاکنون تعداد ۲۶ اثر میراث‌فرهنگی ناملموس از ایران در این کنوانسیون ثبت شده‌اند. این تعداد در منطقه و حتی در آسیا یک رکورد محسوب می‌شود که البته نشانگر میراث‌فرهنگی عظیم و متنوع ایران است.

مهرگان یعنی...

این مردم‌شناس برجسته ایرانی می‌گوید: «در تقویم باستانی ایران تمامی سی روز ماه نام‌های خاصی داشتند. در همه ماه‌ها نام روزی از ماه که با نام خود ماه مطابقت داشت، مبارک بود و آن روز جشن گرفته می‌شد. در این میان سه جشن نوروز، مهرگان و سده از بزرگ‌ترین جشن‌های ملی به‌شمار می‌رفتند که در برخی مناطق هم‌جوار ایران و حتی با آمدن اسلام در ایران نیز رایج بودند. مهرگان بعد از نوروز دومین جشن مهم ایرانیان بود و هرساله در ابتدای پاییز برگزار می‌شد. در مورد علت برپایی جشن مهرگان و نامگذاری آن در کتب تاریخی مطالب متعددی آمده است. برخی نام مهرگان را به مهر یا میترا نسبت می‌دهند. مهر از ایزدان مهمی است که نام او در اوستا آمده با دوستی و رعایت عهد و پیمان گره خورده و طرفدار راستی و دشمن دروغ معرفی شده است. ازآنجاکه الهه مهر از اعتبار والایی برخوردار بوده، در این روز باشکوه‌ترین جشن‌ها برگزار می‌شود. عده‌ای واقع شدن روز مهر در ماه هم نامش را دلیل جشن گرفتن آن دانسته‌اند. دلیل دیگری که به این جشن مهرگان می‌گویند و بیشتر معتبر است، قیام کاوه آهنگر و پیروزی بر ضحاک و به پادشاهی نشستن فریدون است. گروهی نیز معتقدند «یکی از پادشاهان ظالم ایران که مدتی فرمانروایی کرد، مهر نام داشت و ستمگر بود و چون جان داد، جشن گرفتند. نام او مهر بود و چون جان داد، مهر جان داد گفتند و این روز را روز اول زمستان نامیدند.»

گزارش

همگامی آیین‌های کهن ایرانی با محیط‌زیست

کوهستان میزبان جشن مهرگان

| زهرا کرد |
| روزنامه‌نگار |

توجه به عناصر تشکیل‌دهنده حیات یکی از مؤلفه‌های اساسی در جشن‌های باستانی ایرانیان است. جشن رودخانه‌ها در اواخر اسفند، جشن دریاها در میانه مرداد و آمیختگی جشن تیرگان با کوهستان دماوند را می‌توان در زمره جشن‌های باستانی دانست که مستقیماً با محیط‌زیست و طبیعت در ارتباط هستند. جشن‌هایی که عمدتاً با شکرگزاری و شادی همراه‌اند و برگزاری آنها طی هزاران سال توسط مردم گواه دیرینگی و اهمیتی است که در اندیشه پیشینیان وجود داشته است. چندسالی است که به ابتکار انجمن کوهنوردان ایران، رویداد مهرگان کوهستان در اوایل مهرماه در اغلب شهرهای رشته‌کوه سترگ البرز و زاگرس برگزار می‌شود؛ رویدادی که تلاش دارد براساس آموزه‌های باستانی به پاسداری و مراقبت از کوهستان به‌عنوان منشأ آب‌های شیرین ایران بپردازد.

تاریخچه مهرگان کوهستان

در سال ۱۳۶۶ بود که به پیشنهاد UIAA «فدراسیون جهانی سازمان‌های کوهنوردی» آخرین یکشنبه ماه سپتامبر را روز پاکسازی کوهستان نامیدند و با همراهی فدراسیون کوهنوردی ایران ۳۸ سال است که این رویداد در کوهستان‌های کشورمان برگزار می‌شود. رویدادی که به‌واسطه هم‌زمانی با جشن کهن مهرگان چندسالی است رنگ‌وبوی باستانی گرفته و به‌نام مهرگان کوهستان برگزار می‌شود. «عباس محمدی»، کوهنورد و فعال محیط‌زیست، از نام‌گذاری و لزوم برگزاری این رویداد می‌گوید: «چهار سال پیش بود که به پیشنهاد انجمن کوهنوردان ایران ۴ الی ۱۶ مهرماه را مهرگان کوهستان نامیدیم. در این بازه زمانی با رویکرد آگاهی‌بخشی و مراقبت از محیط‌زیست کوهستان و با تکیه بر مفاهیم تاریخی سعی داریم توجه ویژه‌ای به مناطق کوهپایه‌ای داشته باشیم.»

برنامه‌های مهرگان در کوهستان

برخورداری از زیست‌بوم کوهستان در اقصی نقاط ایران، برگزاری مهرگان کوهستان را در تمامی نقاط کشور فراهم کرده است. محمدی از برگزاری این رویداد در شهرهای مختلف خبر می‌دهد «در شهرری، دماوند، بهبهان و دزفول شاهد برگزاری رویداد مهرگان کوهستان هستیم. در هر شهر به فراخور اقتضائات و معضلات محیط‌زیستی که کوهستان‌های منطقه با آن درگیر هستند، نوع برنامه‌های این رویداد متفاوت است.» او ادامه می‌دهد: «در مناطقی از زاگرس جنوبی که چرای بی‌رویه دام بلای جان کوهستان است، می‌توان به این معضل پرداخت. در زاگرس شمالی که حریق، نفس کوهستان را گرفته است، برگزاری مهرگان کوهستان می‌تواند بر محور پیشگیری و تأمین ابزار لازم برای مقابله و اطفای حریق باشد. در اغلب شهرهای کوهپایه‌ای، آفرود و موتورهای سنگین، خراشنده چهره کوهستان هستند و می‌توان با برگزاری نشست و یا حتی کوهپیمایی به‌همراه حمل‌کنندگان این وسایل نگاه حفاظت مشارکتی را به کوهستان ایجاد کرد.»

جشن‌های آمیخته با طبیعت

جشن‌های ایرانی عمدتاً ریشه در طبیعت دارند؛ هم‌زمانی جشن مهرگان با جشن برداشت محصول در اقصی نقاط ایران تأییدی بر این گزاره است. این نویسنده و پژوهشگر تلفیق جشن‌های باستانی با مؤلفه‌های محیط‌زیستی را اقدامی نو در نگاه محافظت از کوهستان می‌داند: «متأسفانه این روزها هر وقت صحبت از طبیعت و محیط‌زیست کوهستان می‌شود، اخبار ناراحت‌کننده و خبر کوهخواری و ذبح طبیعت را می‌شنویم. اما گره‌زدن مفاهیم حفاظتی با جشن‌های کهن می‌تواند فضای تیره و اندوهناک محیط‌زیست ایران را تلطیف کند. برگزاری مهرگان در کوهستان، یادمان می‌آورد که جشن‌ها هم می‌توانند بهانه خوبی برای محافظت و پاسداری از داشته‌های طبیعتمان باشند.»

مهرگان کوهستان در همدان

چندسالی است که هم‌زمان با تهران در همدان نیز شاهد برگزاری مهرگان کوهستان هستیم. «حمیدرضا حق‌نظری»، دبیر انجمن پرسیاوشان زاگرس، برای سومین سال است که مهرگان را با رنگ‌وبوی متفاوتی در دامنه‌های الوند برگزار می‌کند. «در سال‌های گذشته با کمک انجمن‌های مردمی نظیر گروه حافظان چشمه «فرشته» دره «مرادبیگ» اقدام به پاکسازی مناطق در دسترس و آسیب‌پذیر دامنه الوند کردیم. اتفاقی که با همراهی شمار زیادی از طبیعت‌دوستان و کوهنوردان همدانی همراه بود.»

بازتعریف رابطه انسان با کوهستان

حق‌نظری رویداد مهرگان کوهستان را فرصت مناسبی برای باز تعریف رابطه انسان با کوهستان و بیان مطالبات مرتبط از مسئولین می‌داند: «در کوهستان الوند شاهد معضلات خاص و متفاوتی هستیم. دسترسی راحت و هم‌جواری شهر با دامنه کوهستان مشکلاتی چون جابه‌جایی آب‌های آزاد از طبیعت به باغات را سبب شده است. این کار باعث فقر و خشکی آبخوان‌ها شده و در کوتاه‌مدت عواقب جبران‌ناپذیری بر پیکره کوهستان وارد می‌کند؛ ما امسال قصد داریم با حضور مسئولین مرتبط، در مناطقی که جابه‌جایی آب‌های آزاد در آنها صورت گرفته است، پاکسازی انجام دهیم تا مدیران به‌طور مستقیم در جریان معضلات روز دامنه الوند قرار گیرند.» برگزاری مهرگان کوهستان، می‌تواند درک عمومی از محافظت کوهستان را افزایش دهد و قابلیت تبدیل شدن به یک رویداد محیط‌زیستی ایرانی را دارد؛ رویدادی که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران دارد و می‌تواند به‌جای پیام جنگ، پیام مهر به جهان مخابره کند.

یادداشت

مهرگان جشن زندگی‌خواهی

آیین‌های ایرانی، همگی زیست‌آیین‌اند هیچ‌یک ستایشگر زیست‌فاجعه نیستند

| علیرضا حسن‌زاده |
| انسان‌شناس و مدیر ایرانی* |
پرونده ثبت جهانی مهرگان و سده |

مهرگان آیین زندگی و شادمانی است؛ دعوتی به داد، پرهیز از ظلم و دوری از تاریکی که نماد آن ضحاک است. در اسطوره‌ها و آیین‌های مهرگان، این پیام روشن است: چرخشی از گفتمان مرگ‌اندیشی و «مرگِ خوب» به‌سوی «زندگیِ خوب». آنچه در داد و داوری فریدون دیده می‌شود، بازتاب همین معناست.

مهرگان آیین زیست‌افزایی و زندگی‌خواهی است؛ خواستن زندگی برای مردم به‌شکلی عادلانه و برابر. اگر می‌خواهیم به پیام نهفته در دل مهرگان گوش فرا دهیم، باید رؤیا و آرزوهای مردم را زنده کنیم؛ رؤیای گروه‌های بی‌صدا و محروم: کودکان کولبر کردستان، کودکان سوخت‌بر سیستان‌وبلوچستان، کودکان کار و جوانان بی‌اشتغال. این رؤیا جز با چرخشی بزرگ در نگاه ما به جهان و معنای زندگی تحقق نمی‌یابد.

مهرگان پیام تولد دوباره و باززایی یک ملت است؛ پیامی که در آن «زندگی خوب» مطالبه اصلی مردم است و فقر و نداری به‌مثابه آفریده‌ای اهریمنی شناخته می‌شود. پیام مهرگان، برچیدن شکاف‌های طبقاتی است؛ جهانی که در آن، زندگی خوب تنها به اقلیتی محدود متعلق نیست و دوزخ سختی‌ها بر دوش اکثریت مظلوم سنگینی نکند. در چنین جهانی، دیگر خبری از زنانه‌شدن، کودکانه‌شدن، قومی‌شدن، زیست‌محیطی‌شدن و میراثی‌شدنِ فقر نخواهد بود.

این باززایی خورشیدی، باززایی امید است. امیدی که از داد، زندگی، برابری و مدارا سخن می‌گوید؛ از زیست‌افزایی و زیست‌سالاری. یعنی زیستنی مهربان با مردم، جهان و طبیعت؛ زیستنی جان‌افزا و زندگی‌بخش. زیرا زیست‌سالاری پایه مردم‌سالاری است: دوست داشتن و زیستن با مردم. مردمی که قبله‌نمای حضرت خداوندند و هیچ راهی جز خدمت به آنان، انسان را به خداوند نمی‌رساند. و نیز نمی‌توان زندگی خوب را بی‌آنکه طبیعت را پاس داشت، تضمین کرد.

درس‌های مهرگان را می‌توان در پنج محور دید: داد و عدالت؛ مردم‌داری؛ امید و باززایی؛ هم‌زیستی با طبیعت.

چرخش از مرگ‌اندیشی به زیست‌افزایی و زندگی خوب

مهرگان بخشی کلیدی از پارادایم و زیبایی‌شناسی امید، شادی و زندگی است. این آیین، زیست‌آیینی برای امید و شادی است و اهمیت فرهنگ شادمانی را یادآوری می‌کند. مهرگان با تأکید بر زندگی خوب، هشدار می‌دهد که راهی از دوزخ فقر و فقدان توسعه به بهشت آسمانی خداوند مهربان وجود ندارد.

آیین‌های ایرانی، همگی زیست‌آیین‌اند؛ هیچ‌یک ستایشگر زیست‌فاجعه نیستند. آیین‌های ایرانی آینه زیست‌سالاری کهن و دیرین فرهنگ و تمدن ایرانی است. این آیین‌ها آموزه‌ها، پارادایم‌ها و گفتمان‌هایی را منتقل می‌کنند که محصول تجربه زیسته ایرانیان در گذر قرن‌هاست. در این میان، آگاهی به ژرفای این آیین‌های کهن و باستانی به سواد میراثی نیازمند است. پیشتر به‌عنوان مدیر پرونده ثبت جهانی جشن سده در نشست همشهریان زرتشتی گفتم که ملت، تمدن و فرهنگی که سده و مهرگان و نوروز دارد، آیین‌هایی حامل ایده درخشان احترام به طبیعت و زیست‌سالاری، نباید دریاچه ارومیه و هامونش خشک شود، مگر مدیران و سیاستگذاران ما بی‌بهره از سواد میراثی و زیست‌محیطی باشند. مهرگان نیز ارزش سترگ زندگی و زیست‌افزایی را به‌مثابه شاخصه بهزیستی و توسعه پایدار یادآور می‌شود. آیین‌های ایرانی به‌مثابه شیوه زیست و جهان‌بینی ژرف ایرانی باید خود الگوی تعامل اجتماعی و رفتار زیست‌محیطی دانسته شوند. آنان که ارزش آیین‌هایی چون زندگی را دریافته و مهر و مهربانی را بنیان نهاده‌اند، از خود چون فریدون، خاطره‌ای نیک بر جا خواهند نهاد.

*مدیر تاجیکستانی این پرونده جناب آقای دکتر دلشاد رحیمی است.

روزنامه پیام ما
www.payamema.ir

● پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ ● سال بیست و یکم ● شماره پیاپی ۳۲۳۷

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
سردبیر: فاطمه علی‌اصغر
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط‌زیست و منابع‌طبیعی: فاطمه باباخانی
دبیر انرژی، کشاورزی و جامعه محلی: ستاره حجتی
دبیر میراث فرهنگی: فرزانه قبادی
دبیر اجتماعی: مهتاب جودکی
صفحه‌آخر: صدف سرداری
صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، آتنا شریف‌زاده

ویراستار: فرح ابوطالبی
خبرنگاران: فروغ فکری، حمیدرضا میرزاده، مرضیه قاضی‌زاده، مریم محمودخواه، کبریا حسین‌زاده، مرجان حاج رحیمی، سمیه ایمانیان، نادره وائلی‌زاده، کوثر نمک‌شناس، مریم کاظمی‌زاده، ریحانه حیدری، پریسا ساسانی، کوروش دیباج، مجتبی بیگلری
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، الهام سرگزی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲
نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۱۰۵ ۷۴۲۲-۰۲۱
تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲
برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴
آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)
تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی : کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴
ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com
@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

| پیام ما دیروز |

گزارشی از باقیمانده آیینی چندهزارساله در یکی از روستاهای استان فارس

«قصر یعقوب» نگهبان جشن باستانی

| مهربان افسرگشمیری |

| صدف سرداری |
| روزنامه‌نگار |

صبح آخرین جمعه مهرماه اهالی روستای «قصریعقوب» راه می‌افتند به‌سمت امامزاده شهدا. می‌روند که نماز بخوانند و شکرگزاری کنند. مانند نیاکانشان که در این روز به عبادتگاه می‌رفتند و این روز برایشان مانند نوروز بود. این آغاز جشن «مهرگان» برای اهالی روستایی است که در ۱۸۰ کیلومتری شمال شیراز قرار دارد و در طول تاریخی چندهزارساله، مهرگان از یادشان نرفته. هرچند که با گذشت سال‌ها شکل و شیوه آن، تغییر کرده و آن‌طورکه یکی از اهالی روستا به «پیام ما» می‌گوید، دیگر خبری از آیین‌ها و رسوم گذشته نیست و به چند سنت ساده تقلیل یافته است.

قدیمی‌های قصر یعقوب به مهرگان می‌گویند «بیربیری گُرلک» که در زبان ترکی به‌معنای «همدیگر را دیدن» است. اما جوان‌ترها همان «مهرگان» می‌نامندش. این روستا از توابع شهرستان «خرم‌بید» در استان فارس است که جشن مهرگان در آن سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و با وجود تغییرات اساسی در نحوه اجرای آن، به‌دلایل مختلف، همچنان فروغ و روشنایی جشن مهر را پاس می‌دارند.

روستا در آخرین جمعه ماه هفتم سال میزبان این بزرگترین جشن ایرانیان باستان پس از نوروز است. در قصر یعقوب از آیین‌های به‌جای‌مانده مردم ایران از هزاره دوم قبل‌ازمیلاد به پاس پیروزی فریدون بر ضحاک، قربانی‌کردن مانده و شکرگزاری و دور هم جمع‌شدن.

روز شکرگزاری برای محصولات کشاورزی

قصر یعقوب یکی از روستاهای نمونه گردشگری است که تعداد زیادی چشمه طبیعی دارد. علاوه‌بر طبیعت بکر، دارای آثار تاریخی و گردشگری است که از جمله آنها همین امامزاده شهدا در مجاورت یک چهارطاقی تاریخی است که حالا مخروبه‌ای بیش از این چهارطاقی باقی نمانده.

نیاکان این روستا زرتشتی بوده‌اند، اما حالا اقلیت زرتشتی در این روستا زندگی نمی‌کنند و همه مسلمان هستند. طبق آخرین سرشماری، جمعیت روستا ۲۰۸ نفر اعلام شده، اما به‌گفته «طیبه مسعودی»، دهیار روستای قصر یعقوب، در این روز تعداد افرادی که برای شکرگزاری می‌آیند بیشتر هم می‌شود: «مردم روستا کشاورز بودند و محصولات کشاورزی زیادی از جمله سیب‌زمینی، نخود و... داشتند که به پاس برداشت محصول در این روز شکرگزاری می‌کردند و این رسم هنوز هم ادامه دارد. در این روز مردم گوسفند قربانی می‌کنند و هر خانواده‌ای اقوامش را دعوت می‌کند و دور هم جمع می‌شوند.» جمعیتی که در این روز دو برابر می‌شود و به‌گفته مسعودی، به چهارصدپانصد نفر هم می‌رسد: «در سال‌های پیش، نماز جماعت در امامزاده برگزار می‌شد، اما چند سال پیش که امام‌جماعت از دنیا رفت، الان برنامه و سخنرانی در امامزاده نیست.» مکان برگزاری مهرگان زرتشتیان در مکانی مقدس بوده و حالا در امتداد همان آیین، مهرگان قصر یعقوب هم در مکانی مقدس برگزار می‌شود.

آیین‌های فراموش‌شده

حمله مغولان باعث ایجاد تغییراتی در این جشن شده که از جمله آنها تغییر نام مهرگان به بیربیری گرلک بوده. براساس یافته‌های مقاله «بررسی تطبیقی جشن مهرگان با جشن ترکی بیربیری گرلک» نوشته «غلامرضا رحیمی ششده» و «سجاد فرهمند» (منتشرشده در زمستان ۱۳۹۹) جشن مهرگان در میان اهالی قصر یعقوب در ابتدا در دهم مهرماه و به‌مدت شش روز برپا داشته می‌شده، اما به‌تدریج از تعداد روزهای آن کاسته شد. به‌گفته نویسندگان مقاله، کاسته شدن از تعداد روزهای این جشن به‌خاطر مسائل اقتصادی در طی دوره‌های مختلف و تغییرات مذهبی بعد از ورود اسلام به ایران است. مسائل معیشتی هم در این موضوع نقش داشته است.

نویسندگان اشاره کرده‌اند در این روستا جابه‌جایی روز جشن مهرگان به روز جمعه به‌علت مسائل مذهبی است. در اسلام روز جمعه روزی مبارک است که در آن نماز جمعه برگزار می‌شود و همچنین اعتقاد شیعیان مبنی‌بر ظهور امام زمان(عج) در روز جمعه، باعث شده اهالی روستای قصر یعقوب بعد از پذیرش اسلام، جشن بیربیری گرلک را که سنت نیاکان آنان بوده است، در روز جمعه برگزار کنند.

در این مقاله گفته شده که در مهرگان اصیل، در آغاز روز جشن، مردم هیزم‌های آماده‌شده را در چند نقطه گرد هم می‌آوردند و آتش روشن می‌کردند. سفره‌ها با میوه‌های قرمز و گل‌ها تزئین می‌شدند. در کنار آتش جشن بیربیری گرلک، مردم دست در گردن یکدیگر می‌انداختند و موسیقی می‌نواختند و سروده‌های اوستا را می‌خواندند.

پوشیدن لباس ارغوانی و استفاده از عصاره گیاه «هوم» در سفره از دیگر رسوم بود که حالا هیچ‌کدام وجود ندارند و گیاه هوم به‌دلیل شرایط اقلیمی و نبود این گیاه در منطقه، فراموش شده است. حالا قربانی‌کردن گوسفند هم تنها رسمی است که از مهرگان اصیل باقی مانده.

«مجتبی مسعودی»، مدیر اقامتگاه بومگردی قصر یعقوب، چهل‌ساله است و از کودکی تا به حال فقط همین رسوم باقیمانده را به یاد دارد. در میان جمله‌هایش اشاره می‌کند که «مراسم اصلی از بین رفته و تمام شده». او هم یک داستان مشابه برای مهرگان روایت می‌کند و به «پیام ما» می‌گوید مهرگان یعنی شکرگزاری برای برداشت محصول: «داستان مهرگان این است که همه کشاورزان محصولاتشان را برداشت می‌کردند و هر خانواده اقوام خود را دعوت می‌کرد. گوسفند سر می‌بریدند که هم جشن‌شان بود و هم شکرگزاری. ماقبل ما رسوم فرق داشت. نمی‌دانیم چطور بوده. قدیمی‌ترها می‌دانند.» مسعودی نام «بیربیری گرلک» را که اصطلاحی ترکی برای مهرگان است، نشنیده اما درباره اصالت ترک‌بودن اهالی توضیح می‌دهد که اصالتاً رگ و ریشه ترکی ندارند، ولی ترک خلج نامیده می‌شوند.

به‌گفته او، بعد از همه‌گیری کرونا برنامه جشن مهرگان کمی خلوت شد، اما تمام نشد. امسال هم قرار است اهالی در محوطه امامزاده و در کنار همان چهارطاقی که چیز زیادی از آن باقی نمانده، جمع شوند؛ به یاد گذشتگانشان و برای عبادت و شکرگزاری، برای جشن گرفتن مهری که نیاکانشان برای آنان باقی گذاشته‌اند.

| گزارش |

جشنی برای هم‌زیستی با زمین

|پیام ما| جشن‌ها و آیین‌های ایرانی چند شاخصه مشترک دارند، یکی از آنها این است که اغلب در ارتباط با تغییری در طبیعت و زمین برپا می‌شوند؛ کوتاه شدن شب، برداشت محصول، زنده شدن زمین، اعتدال فصل‌ها. «ابوریحان بیرونی» در «آثار الباقیه» از «ابوالعباس ایرانشهری» نقل می‌کند: «خداوند در نوروز و مهرگان با روشنایی و تاریکی پیمان بست.» به‌گفته او، ایرانیان مهرگان را نشانه پایان سال و زمان استراحت زمین می‌دانستند؛ زمانی که روییدنی‌ها به نهایت رشد خود می‌رسند و جانوران از تولیدمثل بازمی‌مانند. نوروز اما، آغاز دوباره سال و رویش طبیعت بود. انسان ایرانی به‌خوبی چرخش زمین و تغییرات فصول را می‌فهمید و هر تحول طبیعی را بهانه‌ای برای شکرگزاری و گردهمایی قرار می‌داد تا روح جامعه زنده بماند. مهرگان به‌عنوان مقدمه‌ای برای نوروز، روز استراحت و آرامش زمین بود؛ فرصتی برای مهربانی، آرامش و آماده شدن برای رویش دوباره. همین است که مهرگان در کنار نوروز دومین جشن بزرگ ایرانیان شد. روزی برای مهربانی، آرامش و آماده شدن برای رویش دوباره.

ایرانیان باستان را شاید بتوان شادترین مردمان جهان دانست. مردمی که شادی را نعمت اهورامزدا و غم را نشانی از اهریمن می‌دانستند. آنها آلوده کردن زمین را امری اهریمنی تلقی می‌کردند و همواره در رفتار و آیین‌ها و حتی معماری‌شان، حفظ حرمت زمین یکی از مهمترین مؤلفه‌ها بود؛ چراکه زمین نماد زایش و تولید و زندگی و حیاتشان به آن وابسته بود. آب و آتش هم به همین سیاق حرمت و قداست داشتند. آنها برای ایرانیان نماد و نمود زندگی و ادامه حیات بودند. آلودگی‌شان زندگی را آلوده می‌کرد و تخریبشان نفرینی به‌دنبال داشت که حیات انسان را به خطر می‌انداخت. همین است که هر کجای آیین‌ها و باورهایشان چراغ بیندازی، نشانی از احترام به طبیعت خودنمایی می‌کند. آنها خود را جزئی از طبیعت می‌دانستند. نگاهشان با نگاه امروز بشر که طبیعت را منبعی برای بهره‌برداری قلمداد می‌کند، فرق داشت.

مهرگان و طبیعت

ایرانیان در جشن‌هایشان که به شکرانه بارش مطلوب باران و محصول فراوان برگزار می‌شد، در خوانی که به هر بهانه می‌گستردند و نمادها و نشانه‌های هر فصل را در آن کنار هم می‌چیدند، زندگی را دوباره خلق می‌کردند و نعمتی را که زمین به آنها داده، پاس می‌داشتند. مهرگان نیز به‌عنوان دومین جشن بزرگ ایرانیان از این قاعده مستثنا نبود؛ از رنگ ارغوانی لباس‌ها که نشانی از تغییر رنگ جهان پیرامون و طبیعتی بود که در آن زیست می‌کردند تا خوان مهرگان و تمام اجزایش از سنجد و زالزالک و ترنج خرمالو تا شاخه درخت سرو و گز که در باورشان نماد استقامت و ایستادگی است.

ایرانیان باستان در جشن مهرگان به شکرانه نعمت و محصولی که در پایان تابستان داشتند، تمام عناصر طبیعت را به خوان مهرگان و نان و آشی که می‌پختند، اضافه می‌کردند و آماده می‌شدند برای فصل سردی که در پیش بود؛ پاییز و پس‌ازآن، زمستانی که مقدمه رویش در بهار است. آنها نیز چون مادر زمین، با جشنی بزرگ و گسترده خود را برای ماه‌های پیش رو آماده می‌کردند. به تعبیر ناصرخسرو: «خزان از مهرگان دارد پیامی/ سوی هر باغ و دشت و مرغزاری» ؛ «گه وعده با باغ مهرگانی دارد/ گه باز به دشت نوبهارم»

مهرگان در باورهای اسطوره‌ای

این تمام داستان مهرگان نیست. مهرگان در باورهای اسطوره‌ای ایران آغاز عدالت‌خواهی و آسایش یک ملت است، روز به بند کشیدن پلیدی‌ها و آغاز دادگری. فردوسی در شاهنامه این‌گونه آورده است: «به روز خجسته سَرِ مهرماه/به سر بر نهاد آن کیانی‌کلاه/ زمانه بی‌اندوه گشت از بدی/گرفتند هر کس ره بخردی/دل از داوری‌ها بپرداختند/به آیین یکی جشن نو ساختند» برخی روایات بر این تأکید دارند که اردشیر بابکان تاجی را که به‌صورت آفتاب نقش کرده بودند، در این روز بر سر نهاد.

«ناصر تکمیل همایون» معتقد است جشن مهرگان نه‌تنها در دربارهای پادشاهان ایرانی‌تبار که در بارگاه خلفا و به‌مرور زمان، در دربارهای سلاطین ترک‌نژاد همواره برگزار می‌شده است. او بر اشعاری استناد کرده و معتقد است: «شاعرانی که «نوروزیه» می‌سرودند، تا زمانی «مهرگانیه» هم داشتند و این دو عید همواره یکدیگر را تداعی می‌کردند.» تکمیل همایون معتقد است: «جشن مهرگان به‌گونه یک جشن ملی همانند نوروز، در دوره‌های اسلامی تاریخ ایران همچنان پایدار ماند و همه گروه‌ها و قوم‌های ایرانی و ساکنان سراسر ایران‌زمین با دین‌ها و مذهب‌های گوناگون برای آن ارجمندی قائل بودند و قرن‌ها تا یورش مغولان، اگر نه بسان نوروز، اما به‌گونه جشنی باشکوه برپا می‌شد و مردم به آن علاقه‌مندی نشان می‌دادند. در دوره حاکمیت ایلخانان و تیموریان اندک‌اندک جشن مهرگان در خانواده‌های زردشتی و دیگر ایرانیانی که مهر وطن و فرهنگ باستانی خود را در دل داشتند، پایدار ماند. آنان به هر سختی که بود، این سنت برجسته ایرانی را پایداری کردند تا به امروز رساندند.» تکمیل همایون درباره بعد اسطوره‌ای مهرگان معتقد است: «این جشن روز پیروزی مردم بر دیو استبداد و خودکامگی بوده و با نوعی خودکاوی و خویشتن‌یابی ملی استقلال‌خواهی جامعه را روشن می‌کند. پیروزی فریدون بر ضحاک ستمگر و ارجمندی قیام کاوه، نماد مردم‌سالاری ایرانیان است. برپایی جشن مهرگان در تاریخ، بزرگداشت دوره پرشکوه آزادی و مردم‌سالاری و عدالت‌خواهی ایرانیان بوده است. این امر در روزگار کنونی هم می‌تواند انسجام و یگانگی ملی و سازندگی جامعه ایرانی را تضمین کند.»

در نگاهی دقیق‌تر شاید به این نکته برسیم که در آیین‌های ایرانی چند موضوع به‌هم می‌رسند: انسان، طبیعت، اسطوره. در مهرگان هم تلاقی این سه می‌تواند پیامی برای امروز باشد؛ انسان نیازمند عدالت و داد، طبیعت پژواک تمام رفتارهای انسان و اسطوره، رؤیایی که بشر در سر دارد. در مهرگان انسان به‌دنبال به بند کشیدن پلیدی‌ها و رسیدن به خوی نیک و مهر است؛ به‌دنبال احترام به زمین تا زمین نیز او را در بهار که فصل رویش است، روسفید کند. مهرگان برای امروز هم این پیام را دارد.

| نان و نمک |

نوروز زرتشتیان با طعم «سوروک»

طعمی که از دل مهر زاده می‌شود

|پیام ما| در آستانه جشن مهرگان، بوی خوش نان سوروک که در میان زرتشتیان یزد به «سوروک»، «سیزُگ» یا «سیرو» شهرت دارد، فضای خانه‌ها را پر می‌کند. این نان روغنی، فقط یک خوراکی ساده نیست و حلقه‌ای از زنجیره آیین‌های کهن است که نسل‌به‌نسل منتقل شده.

سوروک از ریشه «سور» به‌معنای جشن و شادی، در مراسم مختلف زرتشتیان حضوری پررنگ دارد. این نان برشته طلایی‌رنگ در روز مهرگان نمادی از برکت و پیوند با نیاکان است. پخت سوروک مراسمی است که زنان زرتشتی با ظرافت خاصی انجام می‌دهند. خمیری از آرد نان سنگک، مایه‌خمیر، نمک و گاهی شکر آماده می‌شود و پس از استراحت، نوبت به پخت آن می‌رسد.

پس از آماده شدن خمیر، آن را به چانه‌های کوچک تقسیم می‌کنند. هر چانه به کمک نوک انگشت در تابه داغ پهن می‌شود و روی آن دانه‌هایی مانند تخم گشنیز، سیاه‌دانه، گل‌رنگ و کنجد پاشیده می‌شود. پس از گرفتن شکل اولیه، نان برگردانده می‌شود تا طرف دیگر آن هم پخته شود.

در مراسم‌های شادی، روی سیروگ داغ شکر یا مخلوط پسته و بادام پاشیده می‌شود، اما گفته می‌شود در آیین‌های مربوط به درگذشتگان، این نان بدون افزودنی است.

تخم گشنیز، گل‌رنگ و سیاه‌دانه نه‌تنها برای خوش‌عطر کردن نان، بلکه نمادهایی از برکت و سلامتی هستند.

این نان گرد و پهن، شکلی نمادین دارد و یادآور نان‌های دوره ساسانی است که بر سفره‌های نوروزی جای می‌گرفتند.

هر لقمه از این نان، گویای تاریخ و فرهنگی غنی است که در دل خود دارد. در روز مهرگان، وقتی زرتشتیان نان سوروک را بر سفره می‌گذارند، درواقع دارایی‌های معنوی خود را جشن می‌گیرند و پیوند خود با گذشته را استوار می‌کنند.

این نان ساده نشان می‌دهد چگونه یک خوراکی می‌تواند حامل فرهنگ، باور و هویت یک قوم باشد و در گذر زمان، همچنان تازه و زنده بماند.

جناب آقای «غلامرضا ابدالی» بازنشستگی شما را پس از سال‌ها خدمت صادقانه و مسئولانه در سازمان حفاظت محیط‌زیست و تلاش در عرصه حفظ حیات‌وحش تبریک عرض می‌کنیم.
تحریریه روزنامه «پیام ما» با قدردانی از زحمات ارزشمند جناب‌عالی، دوام عزت، سلامت و آرامش را در دوران بازنشستگی آرزومند است.

آب را هدر ندهیم

شرکت مخابرات ایران
اجرای گراند و نصب یا جمع‌آوری دکل سایت‌های موبایل استان اصفهان (گروه ۳۰)
مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۴/۰۳۶
شرکت مخابرات ایران منطقه اصفهان در نظر دارد ((اجرای گراند و نصب یا جمع‌آوری دکل سایت‌های موبایل استان اصفهان (گروه ۳۰) را از طریق مناقصه یک مرحله‌ای به پیمانکار واگذار نماید متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد به سایت مخابرات منطقه اصفهان به آدرس is.tci.ir مراجعه نمایند.
معاونت مالی و پشتیبانی - مخابرات منطقه اصفهان